

# هارالد موتسکی

## شناختی

### حدیث

# درآمدی بر مطالعات

هارالد موتسکی یکی از برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین دانشمندان غربی معاصر در عرصه فقه و حدیث است. می‌توان گفت مطالعات حدیث‌شناختی در غرب که از نیم سده پیش تاکنون راکد و بی‌تحرك مانده بود، با مطالعات موتسکی رونق تازه‌ای گرفت و او موفق شد در این حوزه جریان نوین و رو به گسترشی را ایجاد کند. فروغ پارسی استادیار و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نوزدهم بدین سو در راستای مطالعات تاریخی - انتقادی درباره سیره پیامبر (ص) شکل گرفته بود، با مطالعات ایگناش گلدتسیهر (۱۸۵۰-۱۹۲۱) و یوزف شاخت (۱۹۰۲-۱۹۶۹) رویکرد شکاکانه‌ای پیدا کرد. بسیاری از دانشمندان غربی نظریه شاخت مبنی بر «جعلی بودن همه احادیث نبوی» را «اصل موضوع» تلقی کردند و همه مطالعات خود را براساس آن اصل شکل دادند. افرادی همچون جان ونز برو، پاتریشیا کرونه، مایکل کوک، جرالد هاوتینگ و دیگران با توجه به آرای شاخت، به این نتیجه رسیدند که حدیث اسلامی برای پژوهش‌های تاریخی هیچ‌گونه اعتباری ندارد.<sup>۱</sup> حتی برخی از این هم فراتر رفتند و ادعا کردند اعتبار تاریخی قرآن به مثابه سند رسالت پیامبر (ص) نیز قابل تردید است.<sup>۲</sup> در این میان پژوهش‌های موتسکی را باید به‌حق، نوعی آشتی بین خاورشناسی و حدیث تلقی کرد. موتسکی در آثار خود نشان می‌دهد، می‌توان با نگاه خوش‌بینانه‌تری مطالعات حدیثی را پی‌گیری کرد و مسئله را صرفاً سیاه و سفید ترسیم نکرد.<sup>۳</sup>

پرفسور هارالد موتسکی که اکنون استاد دانشگاه نایمخن (Najmegen) در هلند است در سال ۱۹۴۸ در برلین آلمان متولد شده است. وی از سال ۱۹۶۸ تحصیلات خود را در زمینه ادیان تطبیقی، فرهنگ و زبان‌های سامی، مطالعات اسلامی، تاریخ مدرن و انجیل‌شناسی در دانشگاه‌های بن، پاریس و کلن ادامه داده است.

موتسکی در سال ۱۹۷۸ از دانشگاه بن دکترای خود را دریافت کرده است. عنوان رساله دکتری موتسکی: ذمی و اقلی - اقلیت غیرمسلمان مصری در نیمه دوم قرن هجدهم و هجوم بن‌پارت<sup>۴</sup> است. مشخصاً موتسکی در جریان این رساله با فقه و منابع فقه اسلامی آشنایی پیدا کرده است. او در سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۸۳ در جریان یک دوره آموزشی در انستیتوی مردم‌شناسی تاریخی درباره کودک، جوان و خانواده در فرهنگ اسلامی تحقیق کرده و با ساختار نظام خانواده در اسلام آشنا می‌شود. از ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۹ وی به‌عنوان استادیار «مرکز تاریخ و فرهنگ خاورمیانه» در دانشگاه هامبورگ فعالیت می‌کند. همچنین وی در فاصله سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱ استاد ناظر مطالعات اسلامی در دانشگاه هامبورگ بوده است. موتسکی از سال ۱۹۹۱ تاکنون در مرکز زبان و فرهنگ خاورمیانه در دانشگاه نایمخن فعالیت آموزشی و پژوهشی داشته است. موتسکی در این مرکز سالانه بین ۴۰ تا ۱۰۰ نفر دانشجوی را تربیت می‌کند. «درآمدی بر اسلام»، «قرائت متون اسلامی به زبان عربی»، «حدیث»، «جهاد» و «ابعاد فرهنگ اسلامی» عنوان دروسی هستند که وی در نیم‌سال گذشته تدریس کرده است.

دیدگاه‌های حدیثی موتسکی تفاوت قابل ملاحظه‌ای با دیدگاه‌های دیگر محققان این حوزه دارد. این تمایز احتمالاً باید در خاستگاه‌های فلسفی و روش‌شناختی موتسکی جست‌وجو شود. موتسکی در زمانی مطالعات حدیثی خود را دنبال کرده که فیلسوفان پسامدرن رویکردهای اثبات‌گرایانه دوران مدرنیسم را به چالش کشیده‌اند. بیش از آن در این دوران که دوره فرهنگی<sup>۵</sup> نام گرفته، فرهنگ‌های غیر غربی از جمله فرهنگ اسلامی از نظر پژوهش‌گران اهمیت و ارزش بیشتری پیدا کرده‌اند و باور عمومی به فراروایت‌های برتری غرب از بین رفته است.

مروری بر آثار موتسکی نشان می‌دهد وی به‌واقع به پارادایم فرهنگ‌محوری التزام دارد و احیای تراث اسلامی به‌مثابه بخشی از فرهنگ بشری، اهتمام اصلی مطالعات وی است. موتسکی می‌گوید: «انکار کردن ارزش میراث حدیثی، مطالعات تاریخی درباره قرون نخست اسلام را از مأخذی مهم و کارآمد محروم می‌سازد».<sup>۶</sup> این در حالی است که امثال گلدتسیهر و شاخت، با الهام از انگاره‌های مدرنیسم همواره در جهت نفی اصالت و اعتبار تاریخی منابعی اسلامی تلاش کرده‌اند.

ویژگی‌های روش‌شناختی موتسکی نیز با مبادی روش‌شناسانه خاورشناسان اثبات‌گرا متمایز است. موتسکی سعی می‌کند از تعمیم دادن نتایج مطالعات خود پرهیز کند و چنین

رهیافتی را نقد می‌کند. او می‌گوید آیا به لحاظ اصول روش‌شناسانه درست است که براساس نمونه‌های محدودی از روایات این نتیجه گرفته شود که حجم عظیمی از احادیث جعلی هستند و در زمان‌های متأخرتری برساخته شده‌اند.<sup>۷</sup> موتسکی از آن‌رو که تلاش دارد اعتبار تاریخی منابع اسلامی را بازنمایی کند، پیچیدگی‌های موجود در حدیث اسلامی را با همدلی تفسیر می‌کند. این ویژگی باعث شده موتسکی برخلاف برخی خاورشناسان در مطالعات خود رویکرد تقلیل‌گرایانه (Reductional) نداشته باشد و از منظر فرهنگ اسلامی پژوهش خود را انجام دهد.

از نظر موتسکی، گلدتسیهر برخی منابع اسلامی را صرفاً به این دلیل جعلی می‌پندارد و یا متعلق به زمان متأخری می‌داند که با نظریه خودش درباره پیدایی و تکامل فقه و حدیث ناسازگار است.<sup>۸</sup> می‌توان ملاحظه کرد موتسکی به‌مثابه خاورشناسی فرهنگ‌محور در سراسر مطالعات خود در مقابل این ایده شکاکانه که: «همه احادیث جعلی هستند، مگر زمانی که خلاف آن ثابت شود» اقامه دلیل کرده است. راهبرد موتسکی نیز عموماً در دو امر خلاصه می‌شود: نخست، استفاده از منابع متعددی که به‌تازگی در دسترس قرار گرفته‌اند و دیگر، به‌کارگیری روش تحلیل ترکیبی سند و متن حدیث. به اعتقاد موتسکی، بسیاری از خاورشناسانی که درباره اعتبار منابع اسلامی نظریه‌های تردیدآمیز دارند، در مطالعات خود از این راهبرد استفاده نکرده‌اند. خود موتسکی به‌ویژه از مصنف عبدالرزاق صنعانی (م. ۲۱۱ هجری) که اخیراً منتشر شده، استفاده زیادی کرده است. این کتاب اخیراً براساس نسخه نادری به اهتمام حبیب الرحمن اعظمی در ۱۱ جلد بازیابی و منتشر شده است. موتسکی از مصنف ابن‌ابی‌شیبیه (م. ۲۳۵ هجری) و کتاب هم‌امین منبه (م. ۱۳۲ هجری) نیز استفاده کرده است.

تلاش موتسکی برای بازنمایی اعتبار حدیث اسلامی در سه حوزه فقه، قرآن و تاریخ شکل گرفته است. شاید بتوان گفت فقه مهم‌ترین حوزه‌ای است که موتسکی در آن مطالعه کرده است. چنان‌که مهم‌ترین کتاب وی نیز در این ارتباط تألیف شده است. این کتاب با عنوان مبادی فقه اسلامی: فقه مکی پیش از مکاتب فقهی سنتی قرن دوم هجری نخستین بار به زبان آلمانی در سال ۱۹۹۱ در اشتوتگارت منتشر شد.<sup>۹</sup> این اثر در واقع رساله فوق‌دکتری موتسکی بوده است. اهمیت پژوهش موتسکی در تاریخ پیدایی فقه اسلامی باعث شد این کتاب به زبان انگلیسی ترجمه شده و در سال ۲۰۰۲ به همت انتشارات لیدن به چاپ برسد.<sup>۱۰</sup>

به نظر می‌رسد دیدگاه‌های موتسکی در این کتاب دقیقاً در مقابل ایده‌های ساخت است. در حالی که ساخت مطالعات خود درباره فقه را

به کتاب الام شافعی متمرکز کرده است، پژوهش موتسکی تا حدود زیادی بر اساس مصنف عبدالرزاق است.

موتسکی در مبادی فقه اسلامی خود نظریه ساخت درباره خاستگاه فقه اسلامی را که در بسیاری موارد مورد پذیرش خاورشناسان واقع شده بود، رد کرد و نشان داد با استفاده از منابع متقدم‌تر و روش‌شناسی پیشرفته می‌توان تاریخ تکوین فقه اسلامی را به‌گونه‌ای دیگر بازسازی کرد.<sup>۱۱</sup> بسیاری از دانشمندان، تلاش موتسکی برای روشن کردن ابهام‌های فقه اسلامی را بسیار سودمند و ارزشمند تلقی می‌کنند. به عقیده ایشان موتسکی توانست معیارهای خاورشناسان درباره فقه اسلامی متقدم را که عمدتاً مبتنی بر نظریات ساخت بود، اصلاح کند و با روش‌شناسی مناسب خود، تاریخ تکوین فقه اسلامی را در مقایسه با ایده ساخت ۵۰ تا ۷۰ سال به عقب برده و نشان دهد خاستگاه فقه اسلامی نه در مدینه و عراق بلکه در مکه بوده است.<sup>۱۲</sup> حتی کسانی که روش‌شناسی موتسکی در این کتاب را مورد نقد قرار داده‌اند، اذعان می‌کنند که دقت و نظم او در این پژوهش قابل تحسین است.<sup>۱۳</sup> و در مقایسه با دیگر مخالفان ساخت به‌طور تفصیلی‌تری بررسی خود را انجام داده است.<sup>۱۴</sup>

موتسکی نشان می‌دهد که در قرن اول هجری در مکه، مکتبی فقهی به‌وجود آمده است که پایه‌گذار آن عبدالله بن عباس (م. ۶۸ هـ) است. مکتب فقهی مکه نه متأخر از مکتب عراق بوده و نه وابسته به آن، بلکه کاملاً از آن مستقل بوده است.

به عقیده موتسکی اگر سخن ساخت در باب وجود یک «مکتب فقهی مادر» درست باشد، بهتر است که مرکز این مکتب نه در عراق (بصره و کوفه) بلکه در حجاز (مکه و مدینه) باشد.<sup>۱۵</sup> موتسکی تاریخ تحول این مکتب را در پنج مرحله ترسیم می‌کند و نشان می‌دهد عطاء‌ابن ابی‌ریاح (م. ۱۱۴) و مجاهدین جبر شاگردان ابن‌عباس در مکه آموزه‌های فقهی او را توسعه دادند.

به اعتقاد موتسکی مکتب ابن‌عباس محدود به مکه نبوده و این مکتب تا اواسط قرن دوم ادامه داشته است.<sup>۱۶</sup> موتسکی نشان می‌دهد استفاده از حدیث نبوی در فقه مکتب مکه از دوران ابن‌عباس به بعد وجود داشته و به مرور بیشتر شده است. همچنین وی نشان داده رأی فقها در استنباط‌های فقهی این مکتب تأثیر زیادی داشته و به مرور کم شده است.<sup>۱۷</sup> این در حالی است که ساخت همه احادیث نبوی را جعلی پنداشته و معتقد بود تا قرن سوم هیچ حدیثی از پیامبر (ص) وجود نداشته است.<sup>۱۸</sup> موتسکی در این کتاب، این ایده ساخت را به-تفصیل مورد بررسی قرار داده و در موارد بسیاری نشان می‌دهد فرضیه ساخت درست نیست.<sup>۱۹</sup>

تاریخ تدوین نخستین نگاه‌های حدیثی، مسئله دیگری است



در این حوزه مطالعه کرده‌اند. نتایج این گردهمایی در سال ۲۰۰۰ میلادی در قالب کتابی به همت انتشارات بریل در ۳۳۰ صفحه منتشر شده است.

کتاب شامل پیش‌گفتار و مقدمه‌های به قلم موتسکی سروراستار کتاب است که در آن اهداف و محتوای مطالب را توضیح داده است. موتسکی در مقدمه

خود مطالعات دانشمندان غربی درباره سیره پیامبر(ص) را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد و نقاط ضعف روش شناختی آنها را تبیین می‌کند. به اعتقاد موتسکی تشکیک درباره عدم اعتبار احادیث سیره بیشتر نظری و انتزاعی بوده و اصلاً مبتنی بر واقعیت نیست. به دیگر سخن، خود احادیث سیره مورد ارزیابی قرار نگرفته‌اند.<sup>۲۹</sup> از نظر موتسکی نتایج مطالعات گلدتسیهر و شاخت در زمینه احادیث فقهی حتی اگر درست هم باشند قابل تعمیم به احادیث سیره نیست. باید دانست برخی از دانشمندان غربی با توجه به نظریه شناخت مبنی بر جعلی بودن احادیث اسلامی به این نتیجه رسیده‌اند که در بازسازی سیره نبوی و تاریخ اسلام در دو قرن اولیه اسلامی نمی‌توان به حدیث و منابع اسلامی تکیه کرد.<sup>۳۰</sup> به عکس موتسکی براین باور است که با به کارگیری روش شناسی مناسب و نیز استفاده از منابع متقدم بازسازی سیره پیامبر(ص) امکان دارد. «مقتل ابن ابی الحقیق»<sup>۳۱</sup> عنوان مقاله‌ای است که موتسکی در این اثر گنجانده است. وی در این جستار با روش تحلیل ترکیبی سند و متن احادیث<sup>۳۲</sup> روایات مختلف مقتل ابن ابی الحقیق در منابع مختلف را مورد بررسی قرار داشت. موتسکی در این اثر، چنان که خودش تصریح می‌کند، سه رویکرد مختلف را تلفیق کرده است؛ یعنی، تاریخ نقل،<sup>۳۳</sup> بازسازی منابع<sup>۳۴</sup> و نیز تعیین و تقویم ارزش تاریخی احادیث.<sup>۳۵</sup> وی سعی کرده با مقایسه روایت‌های مختلف یک حدیث تاریخی این مطلب را کشف کند که متن کدام روایت اصیل است و در چه زمانی و کجا و به وسیله چه کسی منتشر شده است. از سوی دیگر با مقایسه روایات مختلف پاره‌هایی از منابع گمشده را از خلال مدونات بعدی بازبازی نماید. در عین حال، بر روی هم ارزش تاریخی احادیث سیره را مشخص کند.<sup>۳۶</sup> موتسکی در این کتاب نیز سعی می‌کند شجاعانه و نیز خوش‌بینانه تردیدهای مربوط به سیره پیامبر(ص) را مورد چالش قرار دهد.<sup>۳۷</sup> در این کتاب، موتسکی نشان داده اگر متن و سند احادیث به‌طور توأمان مورد تحلیل قرار گیرد، معلوم می‌شود بسیاری از مطالب سیره احتمالاً صادقانه روایت شده‌اند.<sup>۳۸</sup> تلاش‌های موتسکی تأثیر قابل ملاحظه‌ای

که موتسکی در این اثر درباره آن تحقیق کرده است. او نشان می‌دهد برخلاف ایده گلدتسیهر<sup>۳۰</sup> و شناخت مجموعه‌های حدیثی پیش از نگاشته‌های فقهی تألیف شده‌اند.<sup>۳۱</sup>

ریشه‌ها و مأخذ فقه اسلامی نیز از مواردی است که موتسکی در این کتاب، دیدگاه‌های اسلاف خود را به چالش می‌کشد. به عقیده وی نمی‌توان ثابت کرد فقه اسلامی از نظام حقوقی رومی و یا قوانین قضایی مناطق سوریه و بین‌النهرین اقتباس شده است. بلکه باید به این نتیجه رسید که قوانین عربی پیش از اسلام، خاستگاه فقه اسلامی بوده است.<sup>۳۲</sup>

موتسکی تألیفات دیگری در رابطه با فقه متقدم اسلامی دارد که به‌ویژه در مقاله‌های «مطالعه‌ای منبع‌شناسانه درباره فقه ابن‌شهاب زهری»<sup>۳۳</sup> و «پیامبر و مسئله گربه، تاریخ‌گذاری موطأ مالک»<sup>۳۴</sup> و تلاش کرده اصالت و اعتبار تاریخی موطأ مالک بن انس (م. ۱۷۹ هـ) و منقولات محمد بن شهاب زهری به‌مثابه متونی بسیار متقدم را اثبات کند.

بیش از آن اهتمام موتسکی به احیای تراث اسلامی در مقاله‌ای با عنوان «مطالعات حدیثی به کجا می‌رود»<sup>۳۵</sup> نمایان است. در این مقاله نیز موتسکی ادعای خوتیر ینبل<sup>۳۶</sup> مبنی بر غیرواقعی بودن شخصیت تاریخی نافع و بر ساخته بودن احادیث مالک از طریق نافع را نقد می‌کند.

مطالعات موتسکی در ارتباط حدیث با قرآن در قالب چند مقاله شکل گرفته است که مهمترین آنها «جمع قرآن، بازنگری دیدگاه‌های غربی در پرتو تحولات جدید روش شناختی»<sup>۳۷</sup> نام دارد. موتسکی در این مقاله مبادی، روش‌شناسی و نتایج دیدگاه‌های غربی درباره مسئله جمع و تدوین قرآن را نقد می‌کند و تناقض‌های موجود در این مطالعات را آشکار می‌سازد. او با استفاده از روش تحلیل ترکیبی سند و متن احادیث اعتبار تاریخی روایات مربوط به جمع قرآن را نشان داده است. این در حالی است که سنت دیرینه خاورشناسان همواره براین بوده که قرآن را اقتباسی از کتب مقدس عهد عتیق و جدید تلقی کنند.

علاقتمندی موتسکی به احادیث مرتبط با تاریخ اسلام و سیره پیامبر(ص) در کتابی با عنوان سیره پیامبر معضل منابع<sup>۳۸</sup> نمایان است. این کتاب در واقع مجموعه مقالاتی است که برای گردهمایی ویژه‌ای درباره سیره پیامبر(ص) تألیف شده است. این گردهمایی در اکتبر ۱۹۹۷ در پنجمین سالگرد تأسیس بخش زبان و فرهنگ‌های خاورمیانه در دانشگاه نایمخن برگزار شده است. هدف این گردهمایی پیدا کردن افق‌های نوینی در مطالعه سیره پیامبر(ص) و ایجاد تماس بین دانشمندان بوده است که با رویکردها و روش‌شناسی‌های مختلف



در تغییر باورهای غربی در این حوزه داشته و به این ایده منجر شده که اعتبار تاریخی احادیث سیره به هر روی قابل اثبات است.<sup>۳۹</sup>

حدیث خاستگاهها و تطورات<sup>۴۰</sup>  
عنوان کتاب دیگری است که موسیقی ویراستاری آن را عهده‌دار شده است. این کتاب در سال ۲۰۰۴ میلادی در ۴۲۳

صفحه منتشر شده است. در مقدمه این اثر موسیقی تلاش کرده با مروری تاریخی بر مطالعات حدیث‌شناختی غرب، تا حدودی این مطالعات را طبقه‌بندی کند. به نظر می‌رسد در این‌جا نیز نظریه‌های ساخت محور دسته‌بندی‌هاست. موافقان ساخت، مخالفان مسلمان ساخت، مخالفان غیرمسلمان ساخت، مخالفان موردی ساخت، عناوینی هستند که موسیقی برای تقسیم‌بندی حدیث‌پژوهان غربی انتخاب کرده است. عنوان این اثر تا حدودی مفاد اصلی مطالب آن را نشان می‌دهد.

موسیقی در وهله نخست در پی آن است که خاستگاه حدیث از دیدگاه غربیان را بیان کند. به گفته او نخستین حدیث‌پژوهان غربی تصور می‌کردند حدیث نبوی برای جبران کمبودهای احکام قرآنی در مواجهه با مسائل اجتماعی در جامعه رو به گسترش اسلامی به‌وجود آمده است. به همین دلیل آن‌ها تصور می‌کردند احتمال برساخته بودن برخی از احادیث نیز وجود دارد.<sup>۴۱</sup> موسیقی نشان می‌دهد تردید درباره اعتبار تاریخی و اصالت حدیث در بین دانشمندان غربی به‌ویژه با توجه به مطالعات گلدتسیهر بیشتر شده است.<sup>۴۲</sup> و سرانجام ساخت به این نتیجه رسید که همه احادیث فقهی پیامبر همگی از اواسط قرن دوم هجری به این سو برساخته شده‌اند.<sup>۴۳</sup>

موسیقی، مطالعات حدیث‌شناختی پس از ساخت را با توجه به دیدگاه‌های وی به سه دسته تقسیم کرده است:

۱. دانشمندی که به کلی مخالف دیدگاه‌های ساخت بودند. این دسته شامل خیل مسلمانان و اندکی از غربی‌ها بودند.
۲. عده‌ای که موافق دیدگاه‌های او بودند.
۳. کسانی که تلاش کردند برخی دیدگاه‌های وی را مورد نقد و ارزیابی قرار دهند؛ که موسیقی خود را در شمار دانشمندان دسته سوم قرار می‌دهد.<sup>۴۴</sup>

موسیقی در تحلیل روایات فقهی به نتایجی متفاوت از ساخت رسیده است. وی پیش‌فرض‌ها، روش‌شناسی و نتایج ساخت را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده که دیدگاه‌های ساخت درباره خاستگاه و پیدایی حدیث براساس فرضیه‌هایی مشکوک، روش‌هایی مسئله‌دار و نیز تعمیم دادن یافته‌های جزئی بنا شده است. به اعتقاد

موسیقی باید از داوری کلی که از ویژگی‌های اثبات‌گرایان است، پرهیز نمود و برای اظهارنظر درباره خاستگاه و اصالت حدیث به تحقیقات موردی پرداخت.<sup>۴۵</sup>

از نظر موسیقی این ادعا که «همه احادیث جعلی‌اند مگر آن که خلاف آن ثابت شود» قابل توجیه نیست. وی خلاف این ادعا را نیز نمی‌پذیرد و معتقد است برای اظهارنظر قطعی باید احادیث و جوامع حدیثی بیشتری مورد بررسی قرار گیرند.

سنت‌های حفظ و نقل حدیث از دیگر مسائلی است که موسیقی در این کتاب و جاهای دیگر بدان پرداخته است. موسیقی معتقد است نقل حدیث شیوه‌ای مرکب از نقل مکتوب و شفاهی داشته است. او می‌گوید: در تحقیقات خود درباره سنت‌های نقل حدیث به این نتیجه رسیده است که به‌رغم نقل غیررسمی حدیث به‌صورت شفاهی، از نیمه دوم قرن اول با سازمان یافتن نظام آموزش، ضبط مکتوب احادیث نیز رواج داشته است.<sup>۴۶</sup> در مجموع به اعتقاد وی سنت‌های نقل و استفاده از نقل مکتوب در بوم‌ها و مراکز آموزشی مختلف، به‌گونه‌های مختلفی اعمال می‌شده است.<sup>۴۷</sup>

خاستگاه اسناد و اعتبار آن، مسئله دیگری است که توجه موسیقی را به خود جلب کرده است. موسیقی براین باور است که نباید سند همه احادیث را جعلی و تصنعی پنداشت. به اعتقاد وی با درصدی از اطمینان می‌توان سندهای اصیل را از سندهای جعلی و ساختگی تشخیص داد.<sup>۴۸</sup> مطالعات موسیقی در مورد خاستگاه اسناد به نتیجه قطعی نرسیده است. وی در تحقیقات خود مواردی از به-کارگیری اسناد در نیمه دوم قرن اول را نشان داده است.<sup>۴۹</sup> با این حال به اعتقاد وی به‌کارگیری اسناد در همان قرن اول نیز در بوم‌های مختلف اسلامی متفاوت بوده است.

موضوع دیگری است که موسیقی درباره آن تحقیق کرده روش‌های تحلیل و تاریخ‌گذاری احادیث است. موسیقی، در مقام اسلام‌شناسی که حدود سی سال در حوزه حدیث مطالعه کرده، تمامی آثار و پژوهش‌های غربی در این خصوص را به‌خوبی می‌شناسد. آشنایی وی با روش‌شناسی‌های نوین پژوهشی به وی اجازه داده این آثار را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد و نقاط ضعف این تحقیقات را آشکار کند. به اعتقاد موسیقی شیوه‌های تحلیل و تاریخ‌گذاری اگر صرفاً مبتنی بر سند و یا متن حدیث باشد، نمی‌تواند کارایی لازم و قطعی داشته باشد. رهیافت موسیقی در این خصوص تحلیل توأمان سند و متن حدیث است. تحلیل ترکیبی اسناد-متن<sup>۵۰</sup> شیوه‌ای است که موسیقی در اکثر مطالعات خود از آن سود برده است. وی در مقاله مستقلی با عنوان «تحقیقی در تاریخ‌گذاری حدیث اسلامی» که در سال ۲۰۰۵ در مجله عربیکا منتشر شده، موسیقی به‌تفصیل دیدگاه‌های خود در این باره را مطرح کرده است.<sup>۵۱</sup> در این مقاله،

موتسکی چهار شیوه را معرفی و بررسی می‌کند: ۱. تاریخ‌گذاری براساس متن حدیث؛ ۲. تاریخ‌گذاری براساس نخستین منبعی که حدیث در آن آمده؛ ۳. تاریخ‌گذاری براساس سند؛ ۴. تاریخ‌گذاری براساس متن و سند حدیث. موتسکی نشان می‌دهد این شیوه اخیر نه تنها امکان تاریخ‌گذاری دقیق‌تر روایات را فراهم می‌سازد، بلکه به بازسازی تاریخ نقل احادیث و تغییرات پیدا شده در متن آنها در جریان نقل نیز کمک می‌کند.<sup>۵۲</sup>

موتسکی، علاوه بر تاریخ‌گذاری یک روایت منفرد<sup>۵۳</sup> به تاریخ‌گذاری مجموعه‌های روایی نیز علاقمند است. موتسکی در تحقیق مفصلی که درباره مصنف عبدالرزاق<sup>۵۴</sup> نشان داده است، علاوه بر سند معیارهای دیگری برای تشخیص و تمایز نقل اصیل از نقل جعلی نیز وجود دارد. موتسکی به دلیل تعدد روایان این اثر، تقسیم‌پراکنده روایات بین روایان، گوناگون مفاد مطالبی که روایت شده، گوناگونی مخبران این روایان، ویژگی‌های ساختار مصنف و شاخص‌های دیگر، مصنف عبدالرزاق را معتبر دانسته است.

با این همه برخی از دانشمندان جریان شکاکیت هنوز متقاعد نشده‌اند و معتقدند این مجموعه، تألیف عبدالرزاق نیست بلکه افراد دیگری در قرون بعدی آن را تألیف کرده‌اند و منابع وی نیز چنان‌که موتسکی می‌پندارد، موثق نیستند.<sup>۵۵</sup> آن‌ها موتسکی را به ساده‌اندیشی متهم می‌کنند و معتقدند ناهمگون بودن ساختار مصنف دلیل بر عدم جعل حدیث نیست. خیلی احتمال دارد که احادیث به‌گونه‌ای غیرنظام‌مند جعل شده باشد. آنها این استدلال موتسکی را نمی‌پذیرند که جاعل حتماً باید متن یکدست و همگونی را ایجاد می‌کرد.<sup>۵۶</sup> در همین رابطه ینبل به نمونه‌هایی از احادیث عبدالرزاق اشاره می‌کند که در مسند احمد بن حنبل وجود دارد ولی در مصنف عبدالرزاق موجود نیست. به همین دلیل ینبل به این ایده متمایل می‌شود که عبدالرزاق چنان‌که موتسکی می‌پندارد، خودش شخصاً این احادیث را سماع نکرده بلکه صرفاً از روی کتاب‌های دیگران نسخه‌برداری کرده است. در نتیجه به احادیثی که در مسند احمد وجود دارد، دسترسی پیدا نکرده است. حتی امکان دارد خود وی و یا دیگران اسناد متصل و عالی برای احادیث ساخته باشند. ینبل، به‌ویژه موتسکی را مورد انتقاد قرار داده که به اختلاف سنی زیاد بین روایان توجه نکرده است. به اعتقاد ینبل، به این دلیل که محدثان مسلمان، اسناد کوتاه‌تر را موثق‌تر می‌پنداشتند سعی کرده‌اند فاصله پیامبر(ص) تا راوی را کم کنند و با جعل اسناد «عالی» حدیث را موثق جلوه دهند. همچنین به عقیده وی خیلی بعید است که برخی افراد از نوجوانی تا دوره پیری و کهولت مشغول آموزش و روایت حدیث باشند.<sup>۵۷</sup>

ینبل با این ایده موتسکی موافق است که مفاد و محتوای احادیث حتی (مرسلات و موقوفات) اعتبار تاریخی دارند، ولی معتقد است بدنه

اصیل حدیث در طول زمان به جهت جعل اسناد و متن احادیث بسیار فربه‌تر شده است و موتسکی به‌ویژه در مصنف عبدالرزاق به‌گونه‌های جعل حدیث توجه نکرده است.<sup>۵۸</sup> هاوتینگ نیز برخی از مثال‌های موتسکی برای احادیث متقدم و معتبر را قبول دارد ولی در مجموع نمی‌تواند بپذیرد عبدالرزاق مؤلف این مجموعه بوده است.<sup>۵۹</sup>

می‌توان به این ایده رسید که در مجموع سنت حدیث‌پژوهی موتسکی در حوزه مطالعات حدیثی غرب در جهت بازنمایی اهمیت حدیث و تراث اسلامی نقش مهمی ایفا کرده است، ولی تا حصول نتیجه مورد نظر موتسکی که همانا تنظیم قواعدی برای شناخت احادیث معتبر است، زمان درازی پیش‌رو داریم.

در پایان باید گفت مطالعات موتسکی با موج استقبال گسترده‌ای در غرب و جهان اسلام مواجه شده است. آثار وی در مراکز معتبر اسلام‌شناسی مطرح شده و آنها را تحت تأثیر قرار داده است. ده‌ها مقاله درباره آثار وی نوشته شده است و به نظر می‌رسد شاخ جریان شکاکیت نسبت به حدیث که یک قرن در غرب سیطره داشت شکسته شده و پارادایم موتسکی جایگزین پارادایم ساخت شده است.<sup>۶۰</sup>

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. ر. ک. به:

Crone & Cook, Hagarism, Cambridge, 1977; J. Wansbrough, *The Sectarian Milieu*, Oxford, 1978.

۲. برای اطلاع از دیدگاه‌های ونزبرو و دیگران در این باره ر. ک. به:

«تحلیل ادبی قرآن، تفسیر و سیره: «نگاهی به روش‌شناسی جان ونزبرو»، نوشته اندرو ریپین، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، در پژوهش‌های قرآنی، ش ۲۴-۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۷۰، ص ۲۱۷-۱۹۰.

3. Asma Afsaruddin, "Review on the Biography of Muhammad, Edited by Harald Motzki, *Journal of the American Oriental Society* 121: 4 (2001), pp. 726-729.

4. *Dimma und Egalité – Die nichtmuslimischen Minderheiten Ägyptens in der zweiten Hälfte des 18. Jahrhunderts und die Expeditions Bonapartes (1798-1801)*

5. cultural turn

۶. موتسکی، «مصنف عبدالرزاق»، مجله علوم حدیث، ترجمه شادی نفیسی، تابستان ۱۳۸۵، ش ۴۰، ص ۱۲۲.

7. Motzki, "Dating Muslim Traditions. A Survey", in: *Arabica* 52:2 (2005), 209.

8. Motzki, *The Origins of Islamic Jurisprudence*.

R. Barber and S. M. Stern. 2 vols. London: George Allen and Unwin, 1971 , p. 208.

21. Motzki, *op. cit.*, p. 16.

22. *Ibid.*, p. xv.

23 "Der Fiqh des –Zuhr: die Quellenproblematik", in: *Der Islam* 68 (1991), 1-44; trans. "The Jurisprudence of Ibn Šihb az-Zuhr. A Source-critical Study", Revidierte Fassung, Nijmegen 2001: [http://webdoc.uibn.kun.nl/mono/m/motzki\\_h/juriofibs.pdf](http://webdoc.uibn.kun.nl/mono/m/motzki_h/juriofibs.pdf), 55 S. 77 (2000), p. 1-83.

24 "The Prophet and Cat: on dating Mlik's *Muwat't'a* and legal traditions", in: *Jerusalem Studies in Arabic and Islam* 22 (1998), p. 18-83.

25. Quo vadis H\*adt-Forschung? - Eine kritische Untersuchung von G. H. A. Juynboll: "Nfi' the *mawl* of Ibn 'Umar, and his position in Muslim h\*adtb literature", in: *Der Islam* 73 (1996), 40-80; 193-231.

26. G. H. A. Juynboll

27. The Collection of the Qur'n: A Reconsideration of Western Views in Light of Recent Methodological Developments", in: *Der Islam* 78 (2001), 1-34.

28. *The Biography of Muhammad: The Issue of the source* (als Herausgeber), Leiden 2000.

29. *Ibid.*, x-xiv.

30. Cf. J. Wansbrogh, *The Sectarian Milieu*, Oxford, 1978; P. Crone & M. cook, *Hagarism*, Cambridge, 1977.

31. "The Murder of Ibn Ab l-H\*uqayq: On the Origin and Relliability of some *maghz*Reports", In: H. Motzki (ed. ), *The Biography of Muh\*ammad: the Issue of the Sources*, 170-239.

32. Matn-cum-Isnad Analysis

33. Transmission History

34. Reconstruction of Sources

35. Determining the Historical Value of Traditions

۳۶. ر.ک.به: همان مقاله.

37. Jaakko Hämeen – Anttila, "Review on the *Biography of Muhammad*", *Journal of Islamic*

*Meccan Fiqb before the Classical Schools*, trans. by M.H. Katz, Leiden 2002 (Islamic History and Civilization 41, 14-16.

9. *Die Anfänge der islamischen Jurisprudenz: Ihre Entwicklung in Mekka bis zur Mitte des 2. /8. Jahrhunderts*, Stuttgart 1991 (Abhandlungen für die kunde des Morgenlandes, Bd. L, 2), 292 pp. [Habilitationsschrift].

10. *The Origins of Islamic Jurisprudence. Meccan Fiqb before the Classical Schools*, transl. by M. H. Katz, Leiden 2002 (Islamic History and Civilization 41), 326 pp.

11. Irene Schneider, Review on H. Motzki: *Die Anfänge der islamischen Jurisprudenz*. Stuttgart 1991. In: *Journal of the American oriental society* 114: 4 (1995), 684-685.

12. Luboš kropúček, *Archív orientální*, 63, 1995, Book Review and Notes, p. 241-242; Herbert Berg, "Review on H.Motzki, The Origin of Islamic Jurisprudence", *J.Middle East Stud.*36(2004) , 288-289.

13. Hawting, "Review on H.Motzki, Die Anfänge der Islamischen Jurisprudenz", *BSOAS*, 1996, No(1), p. 141-143.

14. Juynboll, "New perspectives in the study of Early Islamic Jurisprudence", *BIBLIOTHECA ORIENTALIS* XLIX, No3/4 (1992), 358-364.

15. Motzki, *The Origin of Islamic Jurisprudence*, p. 289.

16. *Ibid.*, p. 287-293.

17. *Ibid.*, p. 107, 242.

18. Schacht, "A Revaluation of Islamic Tradition", *Journal of The Royal Asiatic Society*, 1949 , 146-147.

19. Motzki, *op. cit.*, p. 90-91, 93-94, 154, 176, passim.

20. Goldziher, *Muslim Studies (Muhammedanische Studien)*. Edited by S. M. Stern, translated by C.

52. Motzki, "Introduction", p. xlix.
53. single tradition
- 54 . "The Mus\*annaf of 'Abd al-Razzq al-S\*an'nas a source of authentic *ah\*dh* of the first Islamic century", in: *Journal of Near Eastern Studies* 50 (1991), p. 1-21.
55. Cf. Juynboll, "New perspective...", p. 358-359.
56. Berg, "Review on *The Origin of Islamic Jurisprudence*", p. 289.
57. Juynboll, *op. cit.*, p. 359-362.
58. *Ibid.*, 362-364.
59. Hawting, "Review on *Die Anfänge ...*", p. 141-142.
60. Berg, "Review on *The origin...*", p. 289
- studies*, Book Reviews, 12:2 (2002), p. 255-258
38. Yasin Dutton, "Review on the *Biography of Muhammad*", *Journal of Islamic studies*, 14: 2 (2003), 205-208.
39. Jakko Hämeen-Anttila, *op. cit.*, p. 258.
40. *H\*adh: Origins and Developments* (als Herausgeber), Aldershot, 2004, The Formation of the Classical Islamic World 28, (Ashgate/Variorum), 423 pp.
41. Motzki, "Introduction", in: H. Motzki (ed.) *H\*adh: Origins and Developments*, xv.
- 42 . *Ibid.*, p. xviii.
43. J. Schacht, *The Origins of Muhammadan Jurisprudence*, 4th impression, Oxford, 1967 [1st ed. 1950], p. 4.
44. Motzki, *Op. cit.*, p. xxiv-xxviii.
45. *Ibid.*
46. Motzki, "The prophet and the cat", p. 30.
47. Motzki, "The jurisprudence of Ibn shahab", p. 40.
۴۸. موتسکی، «مصنف عبدالرزاق»، ص ۱۰۶.
49. Motzki, *The origin of Islamic Jurisprudence*, p. 126-136, 157-167, 240-241; idem, "The prophet and cat", p. 73-74; idem, "The Jurisprudence of Ibn shahab", p. 32-47.
50. Isnad-cum-Matn Analysis
51. Motzki, "Dating Muslim Tradition: a survey", *Arabica*, 52:2, Brill, NV, (2005), p.204-253